

## شهر باستانی سوخته (۳۰۰۰ قبل از میلاد): موقعیت زنان

شواهد باستان شناسی نزدیک زابل (در استان جنوب شرقی سیستان و بلوچستان) که تاریخ حیات آن به ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد بر می‌گردد، گواهی روشن از موقعیت و قدرت زنان ایران باستان به دست می‌دهد.

هر چند که بیشتر دانشمندان غربی توجه خود را به ترقی مدنیت میان رودان (بین النهرين) معطوف داشته‌اند، اما اکنون معلوم شده است که فلات ایران نیز خاستگاه سنت‌های مدنی ویژه خود بوده است. شهر سوخته (که در بر دارنده ۳۰۰۰۰۰ هکتار زمین است) یک کلان شهر بسیار توسعه یافته و کامیاب و میزبان چهار تمدن بزرگ بوده است. در این مکان اکتشافات کوزه‌گری و جواهرسازی فراوانی به ثمر رسیده‌اند. در نوامبر ۲۰۰۴، باستان شناسان قدیمی ترین چشم مصنوعی، تخم درخت زیره و اولین پویانمایی (انیمیشن) دنیا اشاره کردند. از دیگر یافته‌ها می‌توان به قدیمی ترین چشم مصنوعی، تخم درخت زیره و اولین پویانمایی (انیمیشن) دنیا اشاره کرد. یکی از جالب‌ترین یافته‌ها، پیدا شدن تعداد زیادی مهر در دوران باستان اغلب نشان‌گر قدرت و اعتبار بود. مهرهای شهر سوخته به دو نوع شخصی و دولتی تقسیم می‌شوند.



مهری باستانی از شهر سوخته

منصور سجادی باستان شناس و سرپرست هیات کاوش در شهر سوخته در این رابطه به خبرگزاری میراث فرهنگی (CHN) گفت:

در دنیای باستانی ابزارهایی وجود داشته که از آنها به عنوان ابزارهای کنترل اقتصادی یاد می‌کنیم. هر فرد یا گروهی در جامعه که صاحب چنین ابزارهایی بود در شمار قوی ترین فرد یا گروه آن جامعه محسوب می‌شد.

سری جالب دیگر از کشفیات در شهر سوخته به وسیله تیم سجادی این بود که نود درصد از این مهرها به زنان تعلق داشتند و در مقابل تنها پنج درصد به مردان و پنج درصد دیگر به کودکان تعلق داشت. سجادی در ادامه افزود:

از آنجا که می‌دانیم مهرها با صاحبانشان در پنج هزار سال پیش دفن می‌شدند، مطمئن هستیم که مهرهای بسیار مهم شهر سوخته که کارهای کلیدی اقتصادی توسط آنها انجام می‌شد متعلق به زنان شهر سوخته بوده است....بسیار طبیعی به نظر می‌رسد که مردان برخی ابزار قدرت را به زنان شهر سپرده باشند زیرا مردان دور از شهر به کشاورزی و صنعتگری مشغول بودند و طبیعتاً مهرها باید در دست کسانی باشد که در یک جای ثابت و در دسترس همگان بوده و مشکلات شهر را بلافاصله حل کنند.

یافته‌های جدیدتر نشان می‌دهند که زنان شهر سوخته بیشتر از مردان عمر می‌کردند. این موضوع در ۲۲ جون ۲۰۰۹ در [Iran's PressTV News Service](#) گزارش شد. سرپرست این کاوش‌های به خصوص در شهر سوخته، فرزاد فروزانفر بود.

فروزانفر اشاره کرد طول مردان به طور متوسط بین ۳۵ تا ۴۵ سال بود ولی زنانی تا ۸۰ سال هم عمر می‌کردند. این تیم همچنین دریافت که جمعیت این شهر باستانی ۶۰۰۰ نفر بود که تخمین ۵۰۰۰ نفر قبلی را تصحیح می‌کند.

جمعیت زنان این ناحیه بیشتر از مردان بود... همچنین بر اساس برآوردهای یاد شده می‌توان نتیجه گیری کرد که حداقل تدفین‌های انجام شده در شهر سوخته موجود ۳۰۰۰۰ تدفین بوده است

## زنان ایران باستان در جنگ: "آمازون ها" و هخامنشیان (قرن پنجم قبل از میلاد - ۳۳۳ قبل از میلاد)

یکی از زمینه هایی که داشمندان توجه چندانی به آن نشان ندادند نقش زنان جنگجوی ایران باستان است.

خبرگزاری رویترز در ۴ دسامبر ۲۰۰۴ از تهران، از یافته های باستان شناسان از یک حفاری در نزدیکی تبریز در خطه شمال غربی

آذربایجان ایران خبر داد. آزمایش های DNA مشخص کرد که استخوان های ۲۰۰۰ ساله مدفون در آن محل و شمشیر همراه آن به

یک زن تعلق دارد. علیرضا هژبری نویسنده روزنامه همبستگی گفت:

برخلاف اظهار نظرهای قبلی که عنوان می کرد این جنگجو یک مرد است و با توجه به شمشیر مفرغی موجود در گور نیز این گمان به یقین تبدیل شده بود، آزمایش های DNA نشان داد که اسکلت داخل گور متعلق به یک زن جنگجو بوده است.

به گفته دکتر نویسنده، ۱۰۹ گور جنگجویان تحت آزمایشان DNA قرار گرفتند تا جنسیت آنها تعیین شود. زنان جنگجو که یونانیان باستان آن ها را "آمازون ها" می خوانند از نوع جنگجویانی بودند که در قرن پنجم قبل از میلاد و پیش از آن در شمال (گیلان، مازندران و گلستان امروزی) و شمال غربی ایران (آذربایجان امروزی) غالب بودند. یافته های فراوانی در گورستان های جنگجویان ایرانیان شمال یعنی سکاهای و جانشیان سرمته‌ی آنها وجود دارند.



بازسازی ایرانی های سکا یا سرمتی شمال در رزم به وسیله چرنکو و گورلیک  
*(Cernenko & Gorelik, 1989, Plate F)*  
ایرانیان باستان (آنها که در ایران باستان و اروپای شرقی ساکن بودند) اغلب جنگجویان و فرماندهان زن داشتند؛ مشابه  
جنگاوران زن سلتی و اروپای غربی باستان.



یک گلدان از یونان باستان م نقش به زن جنگجوی آمازون (سوار بر اسب در سمت چپ). به لباس ایرانی باستانی او مثل شلوار، بلوز و کفش مادی-پارسی توجه کنید. جنگجوی یونانی مسلح به نیزه و سپر است اما لباسی بر تن ندارد.

گشایش گور-تپه های سکاهای موسوم به "کورگان ها" اغلب منجر به یافتن بقایای جنگجویان زنی شده است که شمشیرشان در کنارشان دفن شده است. این تپه های کورگان در شکل های گوناگونی و در مکان های مختلفی از جنوب اوکراین تا قفقاز و ایران (شمال و شمالغربی) قرار دارند. در زمان هخامنشیان، زنان در موقعیت هایی نظیر رهبری در ارتش های شاهنشاهی ایران باستان دیده می شدند.



بازسازی آرتمیس از هالیکارناس (در ترکیه امروزی) یکی از قابل ترین دریاسالاران خشایارشا در حمله ناموفقش به یونان در ۴۸۰ قبل از میلاد. توانایی های دریایی جسورانه آرتمیس بارها خشایارشا را واداشت که اظهار کند " ... مردان من زن شده اند و زنان من مرد شده اند ". آرتمیس همچنین یکی از مشاوران نظامی ارشد خشایارشا بود.

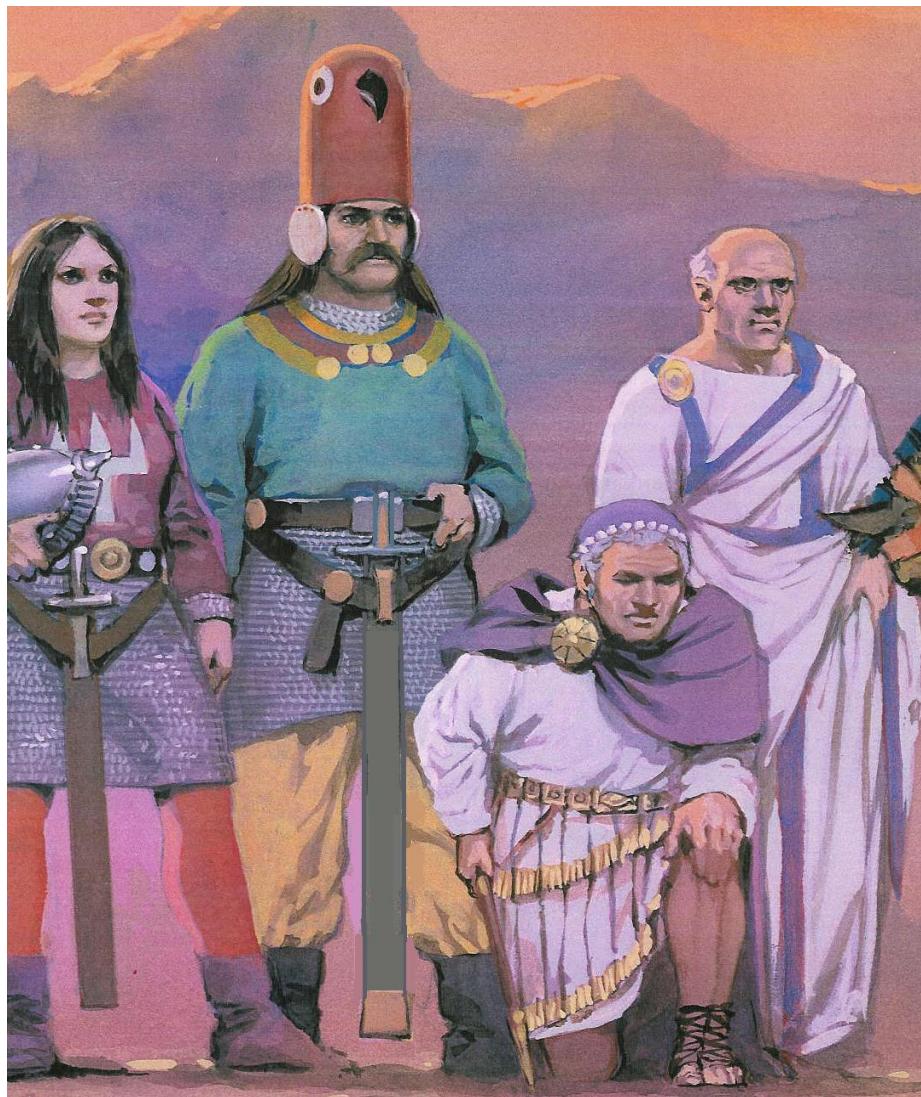


بازسازی واحد سواره نظام زنان هخامنشی توسط شاپور سورن پهلاو. بانوان سوارکار خیلی از قبائل ایرانی مثل کردها و لرها تا اوایل قرن نوزدهم هم در جنگ شرکت می کردند.

## زنان ایرانی در دوران ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ میلادی)

منابع تاریخی رومیان از بانوان جنگجوی برجسته امپراتوری ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ میلادی) یاد می کنند. زونارس (7- XII, 23, 595) در اشاره به نیروهای شاپور اول می نویسد:

... در ارتش ایرانیان ... گفته می شود که زنانی هم وجود دارند که مانند مردان لباس پوشیده و مسلح می شدند.



امپراتور والرین (قدرت: ۲۵۳-۲۶۰ میلادی) (در حال زانو زدن) و یک سناتور رومی (با ردای رومی توگا در سمت راست) در ۲۶۰ میلادی به ارتش شاپور تسلیم می شود. امپراتور و سناتور را یک بانوی جنگجوی ایرانی (چپ) و یک افسر از خاندان سورن (با کلاه قرمز) همراهی کردند. منابع رومی گزارش می کنند که افسران زنان ایرانی دوش به دوش مردان ساسانی می جنگیدند (*Farrokh, 2005, Plate E*) (اسواران ساسانی، دکتر کاوه فرخ).

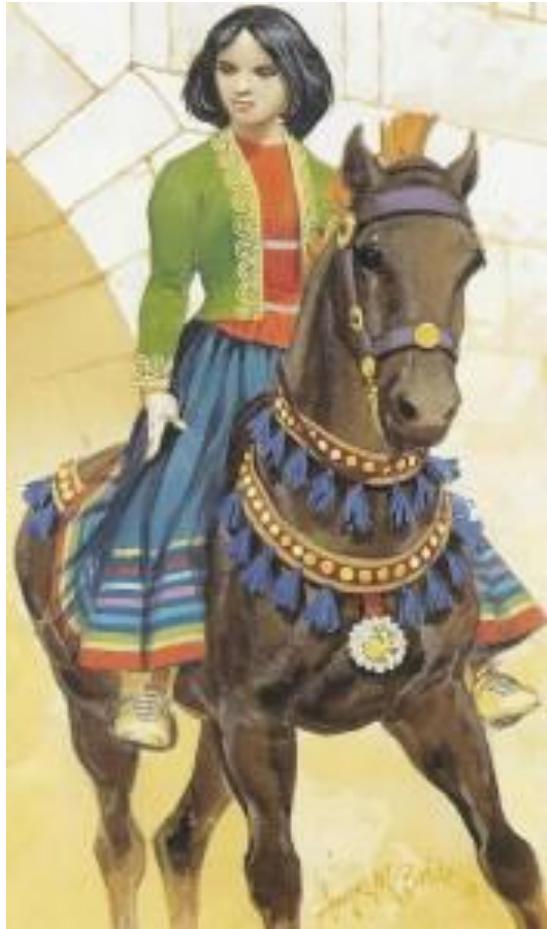


کاهنه ای از معبد آناهیتا "فر" یا شکوه ایزدی را پس از پیروزی بر جسته بهرام چوین در برایر هون ها در اوخر دهه ۵۸۰ میلادی به او تقدیم می کند. زنان در الهیات ایران باستان و دین زردهشی بازی می کردند (Farrokh, 2005, Plate E)

(اسواران ساسانی، دکتر کاوه فرخ).



شاہزاده شیرین (که مسیحی بود) در کنار همسر و پادشاهش خسرو پرویز. هر چند خسرو پرویز زردشتی بود اما به عقاید مسیحی همسرش، شیرین، احترام می گذاشت. در دوران ساسانیان علاوه بر زردهشیان، جماعت مسیحی و بودایی زیادی در ایران زندگی می کردند (*Farrokh, 2005, Plate E*) (اسواران ساسانی، دکتر کاوه فرخ).



شاهزاده بوران (معنای لغوی: زن زیبا) در شیز از آذربایجان. بوران (پوراندوخت) یکی از آخرین فرمانروایان ساسانیان پیش از حملات اعراب – مسلمانان بین ۶۳۷ و ۶۵۱ میلادی بود. (*Farrokh, 2005, Plate E*) (اسواران ساسانی، دکتر کاوه فخر).

بعد از اینکه امپراتوری ساسانیان در اثر حمله مسلمانان عربستان فرو پاشید، تعدادی از بانوان جنگجو برای مقاومت برخواستند، به عنوان نمونه آپرانیک (دختر ژنرال پیران)، نگان و آزاده (که بسیار تلاش کرد تا جلوی ورود دشمنان را از شمال ایران بگیرد). اورلائت می نویسد:

"دیلمان [در شمال ایران امروزی] حداقل تا قرن هشتم میلادی تسخیر ناپذیر باقی ماند... حکمرانان اولیه دیلمیان گرایشات ضد عربی شدیدی داشتند و در پی بازیابی امپراتوری و ادیان باستانی ایران بودند" (1998, p.268)



دختری از ناحیه چکسیو در مازندران - خیلی از مبارزان شمال ایران در قرون هفتم و هشتم میلادی زنان بودند.

کار بر جسته بانوان رزمnde ایرانی در دوران پس از اسلام در حماسه شاهنامه فردوسی انعکاس یافته است. یک عبارتی که گردآفرید جنگجوی زن را شرح می دهد:

یکی تیغ تیز از میان بر کشید	چو بر زین پیچید گردآفرید
نشست از بر اسپ و بر خاست گرد	بزد نیزه‌ی او بد و نیم کرد



نگاره ای از نبرد گردآفرید (سمت چپ) با سهراب

### دوران پس از اسلام

آخرین قیام بزرگ بر علیه خلفای عباسی (قدرت: ۱۲۵۸- ۷۲۱ میلادی) از سوی بابک خرمدین (۷۹۸- ۸۳۸ میلادی) بود که از پایگاهش در آذربایجان جنبش مقاومت نیرومندی را از ۸۱۶ تا ۸۳۷ میلادی رهبری کرد. این آخرین تلاش بزرگ ایرانیان برای بازسازی دوباره دین زرده‌شی و دیگر فرقه‌های ایرانی مثل کیش مزدکی بود.

خلفای عباسی ابومسلم خراسانی (۷۰۰- ۷۵۵ میلادی) را علیرغم اینکه او به آنها کمک کرده بود تا خلفای اموی (۶۶۱- ۷۵۰ میلادی) را کنار بزندند به قتل رساندند. علت این قتل، محبویت فراینده ابومسلم خراسانی در میان ایرانیان بود. خلیفای عباسی نگران امکان احیای حس استقلال طلبی ایرانیان بعد از وی بودند. مرگ ابومسلم خراسانی امید توده ایرانیان را برای خودمحختاری بیشتر در درون این ساختار نقش بر آب کرد. در چنین شرایطی بود که شورش بزرگ بابک از شمالغربی ایران در آذربایجان سر برآورد.

نکته قابل توجه، نقش بر جسته بانو، همسر بابک خرمدین در طول این قیام بود. بانو در طی ۲۳ سال قیام بابک علیه خلیفه عباسی در کنار وی بود. علیرغم شکست نهایی آنها در سال ۸۳۷ میلادی، نام و یاد قیام خرمدینان در فرهنگ و خاطره ایرانیان باقی مانده است.



دز بابک در شهر کلیبر استان آذربایجان شرقی. هر سال مردمی از آذربایجان و سراسر ایران به این دز می آیند و به او برای تلاش هایش ادای احترام می کنند.



فرمانروای ری (نژدیک تهران کنونی) در پارچه‌ای از دوران پس از اسلام که احتمالاً به سلسله دیلمیان (قرن دهم میلادی) در شمال ایران بر می‌گردد. جامه این بانوی فرماندار باید شبیه به جامه بانو خرمدین باشد.

لر ها، مردمی از غرب ایران که پیوند نژدیکی با سکا های باستان دارند هنوز هم شاهد حضور فعال زنانشان در نبردهای مختلف هستند. کریم خان زند (۱۷۷۹-۱۷۰۵) موسس سلسله زندیه و سلحشورانش اغلب به همراه همسرانشان در جنگ ها حاضر می شدند. حضور زنان لر در تعقیب و شکست دادن قبایل پشتون افغانستان در قرن هجدهم بسیار موثر بود. ایزدی می نویسد:

"... افسران افغان زند ها را به این خاطر مسخره می کردند و آن ها را متهم می کردند که پشت دامن زنانشان مخفی می شوند" (Izady, 1992, pp.194)



زنی از لرستان که از اسب خود فرود آمده است. معمولاً به طور سنتی زنان لر در فعالیت‌های مربوط به سوارکاری شرکت دارند و به خاطر تیراندازی دقیقشان بر پشت اسب شهرت دارند (عکس از نصرت‌الله کسراییان، ۱۹۹۰).

#### جنبش مشروطه (۱۹۰۶-۱۹۱۱)

یک نمونه از اهمیت زنان در تکامل سیاسی و اجتماعی ایران را می‌توان در انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶-۱۹۱۱) دید. جنبش مشروطه ایرانیان در نوع خودش اولین نمونه از تلاش‌های دموکراسی خواهی، برابر طلبی و دفاع از حقوق بشر در غرب آسیا بود. هدف مشروطه خواهان ایرانی محدود کردن قدرت مطلق پادشاهان قاجار به نفع مجلس منتخب مردم بود.



ملی گرایان مشروطه خواه در اوایل قرن بیستم در تبریز زیر پرچم ایران می جنگند. زنان ایرانی دلاورانه در کنار مردان علیه سلطنت طلبان قاجاری و هم پیمانان روسی شان به نبرد می پرداختند.

جنبش مشروطه ایران با شدت سرکوب شد که این امر موجب خشم پروفسور ادوارد براون (۱۸۶۲-۱۹۲۵) شد و پارلمان انگلیس را متهم کرد که تلویحاً موافق اقدامات روسیه در سرکوب اولین جنبش دموکراسی خواهانه در غرب آسیاست. نیروهای روسیه تزاری و هم پیمانانشان مجلس ایران را که محل حضور ایرانیان آزادی خواه بود را به توب پستند.



سرکوب دموکراسی خواهی ایرانیان: قراق های روس تزاری شمشیرهایشان را در برابر مشروطه خواهان اعدام شده به سمت پایین گرفتند. افسر روسی کلمن ولادیمیر لیاخوف (۱۸۶۹-۱۹۱۹) به بمباران مجلس در ۲۳ جون ۱۹۰۸ معروف بود.

در طول آن لحظات حمامی در تاریخ ایران، زنان ایرانی در صفت مقدم تشویق مشروطه خواهان برای بازگشت به مبارزه علیه روس های تزاری بود که در حال پیش روی به سمت تهران بودند. مورگان شوستر (۱۸۷۷-۱۹۶۰) که برای سر و سامان دادن به اقتصاد ایران از سوی مجلس مشروطه منصوب شده بود در مورد نقش حیاتی بانوان ایرانی نوشت. در ذیل بخشی از نوشته های شوستر نقل می شود (Shuster, 1912, pp.183-189)

"... زنان ایرانی نقشی پررنگ در حرکات اصیل و میهن پرستانه داشتند. زنان ایرانی از سال ۱۹۰۷ تا کنون تقریباً متوجه ترین زنان دنیا شده اند. در حقیقت زنان برای زنده نگه داشتن روحیه آزادگی تلاش های بسیار کردند. آنها در مدت بسیار کوتاهی به معلم، نویسنده روزنامه، موسس باشگاه های زنان و سخنگوی موضوعات سیاسی مختلف تبدیل شدند.."



مورگان شوستر امریکایی (۱۸۷۷-۱۹۶۲) در مورد عملکرد زنان ایرانی و نقش آن‌ها در حراست از ایده آل‌های جنبش مشروطه ایران نوشته.

علیرغم نیروهای سرکوبگر، به موجب نقش موثر بانوان ایرانی در آن دوران، ایده آل‌های جنبش مشروطه هرگز به دست فراموشی سپرده نشد. نقشی که از آن به قدر کافی قدردانی نشده است. از آن هنگام تا کنون زنان در صفت اول ارتقای حقوق بشر در ایران بودند.

این نوشتار کوتاه در پی آن بود که به نقش حساس زنان ایرانی را به عنوان موتور محرک تغییرات سیاسی و اجتماعی ایران از زمان باستان تا کنون اشاره کند.



شیززن ایرانی - تصویر از مصطفی دریانی. ایرانیان اغلب از زنانشان به عنوان "شیر زن" نام می برد تا به نقش تاریخی آنها به عنوان قهرمانان حقوق بشر اشاره کنند.

#### در مورد دکتر کاوه فرخ:

کاوه فرخ باستان شناس و مورخ ایرانی در یونان به دنیا آمده ولی خود را یک ایرانی با پیشینه قفقازی با ریشه‌های آذربایجانی و گرجی-اوستی می داند. پدر بزرگ او سناتور مهدی فرخ و پدرش فریدون فرخ سفیر سابق ایران در آلمان شرقی بودند. فرخ به سبب این که یک ایرانی است و در یونان متولد شده و کودکی اش را در آنجا گذرانده، به تاریخ ایران کهن و یونان باستان علاقه‌مند بوده و در همین زمینه تا سطوح عالی در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا ادامه تحصیل داده است. وی هم اکنون تاریخ‌دان بخش مطالعات استمراری دانشگاه بریتیش کلمبیا، عضو انجمن جهانی مطالعات بین المللی وابسته به دانشگاه استنفورد، مشاور در مطالعات ایرانی در انجمن مطالعات یونانی-ایرانی، عضو انجمن حفظ خلیج فارس، عضو هیات امنای بنیاد میراث پاسارگاد و مسئول بخش باستان شناسی آن است. برخی از آثار او عبارتند از:

○ سواره نظام ساسانیان- 2005، Osperry ترجمه به فارسی توسط انتشارات سبزان ۱۳۸۸

○ سایه‌هایی در کویر: ایران باستان در جنگ- 2007 Osperry

کتاب جدید فرخ، ایران در جنگ: ۱۹۸۸-۲۰۱۱، در اوخر ماه می سال ۲۰۱۱ توسط Osprey Publishing منتشر می شود. او در

وب سایت شخصی خود-KavehFarrokh.Com- به طور منظم مطالبی در مورد تاریخ و فرهنگ ایران می نویسد.

برخی از جوایزی که کاوه فرخ به خاطر آثار خود دریافت کرد:

- بهترین باستان شناس سال بنیاد میراث پاسارگاد به خاطر انتشار کتاب سایه هایی در کویر ، مارچ ۲۰۰۸
- جایزه شیر طلایی آکادمی والم به عنوانه بهترین کتاب تاریخی سال ۲۰۰۸
- جایزه اتحادیه ناشران مستقل آمریکا (جایزه بنجامین فرانکلین) به عنوان بهترین کتاب تاریخی سال ، نوامبر ۲۰۰۸.

#### مطالعه بیشتر:

Cernenko, E. V. & Gorelik, M.V. (1989). The Scythians 700-300 BC. London: Osprey Publishing.

Chaqueri, C. (2001). Origins of Social Democracy in Iran. Seattle: University of Washington Press.

Farrokh, K. (2005). Elite Sassanian Cavalry. Oxford: Osprey Publishing.

Farrokh, K. (2007). Shadows in the Desert: Ancient Persia at War. Oxford: Osprey Publishing.

Izady, M. (1992). The Kurds: A Concise History and Fact Book. Taylor & Francis.

Kasraian, N. (1990). Our Homeland Iran. Tehran: Sekke Press.

Mallory, J.P. (1989). In Search of the Indo-Europeans: Language, Archaeology and Myth. London: Thames & Hudson.

Nafisi, S. (1955). Babak Khorramdin Delavar-e Azarbaijan [Babak Khorramdin, the courageous one/Brave one of Azarbaijan]. Tehran: Tabesh.

Overlaet, Bruno (1998). Regalia of the Ruling Classes in Late Sassanian Times: The Riggisberg Strap Mountings, Swords and Archer's Fingercaps. In Riggisberger Berichte – Entlang der Seidenstrasse – Abegg-Stiftung, Riggisberg, pp.267-297.

Shamim, A.A. (1995). Iran dar Dorrey-e Saltanat-e Qajar (Chapp-e Sheshom) [Iran during the Qajar Monarchy Era (6<sup>th</sup> edition)]. Tehran: Moddaber.

Shuster, M. (1912). The Strangling of Persia. London: Adelphi Terrace.